

● نگاه کل‌نگر به تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت نباید صرفاً در سطح رابطه‌ی فردی بین مربی و متربی بررسی شود، بلکه باید در بستر تمدنی و نظام اجتماعی دیده شود. طراحی یک نظام آموزشی اسلامی، نیازمند درک عمیق از نسبت فرهنگ، ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی است.

● تفاوت رابطه اجتماعی و نظام اجتماعی

رابطه اجتماعی: کنش میان دو عنصر (مثل مربی و متربی). نظام اجتماعی: ساختاری مستقل از افراد با سازوکار درونی پایدار و هدفمند (مثلاً سیستم بانکی). بنابراین نظام تعلیم و تربیت مدرن یک ساختار پیچیده است که صرفاً با تغییر افراد دچار تحول نمی‌شود.

● نظام ارزشی و اولویت‌ها

نظام ارزشی، اولویت‌های فردی و اجتماعی را تعیین می‌کند. این اولویت‌ها سپس بر ساختارها و تصمیمات تأثیر می‌گذارند. در تعلیم و تربیت نیز، اینکه مثلاً «عدالت» اولویت باشد یا «بهره‌وری»، بر راهبردها و سیاست‌ها اثر می‌گذارد.

● نظام مدرن تعلیم و تربیت

ساختاری پیچیده و به‌روزشونده است که گرچه اصلاح‌پذیر است، اما این اصلاحات در راستای بهینه‌سازی خود سیستم مدرن است، نه تحول بنیادی آن.

● نگاه تمدنی و مبارزاتی

تحول بنیادین نیازمند نگاهی تمدنی است، نه صرفاً اقداماتی سطحی. باید سازوکارهایی طراحی شود که بتوانند بدیلی برای تمدن غربی بسازند. به قول امام خمینی، آنچه اهمیت دارد «هنری» است که با جریان باطل بجنگد؛ این نگاه را می‌توان به نظام تعلیم و تربیت تعمیم داد.

● نقد الگوبرداری از نظام‌های آموزشی غربی (مثل ژاپن یا فنلاند)

نویسنده معتقد است این الگوها صرفاً انسان‌هایی را تربیت می‌کنند که در خدمت نظام سرمایه‌داری و فاقد روحیه ظلم‌ستیزی و استقلال فکری هستند.

● تأکید بر جهت‌گیری در تحول

تحول در آموزش و پرورش بدون تغییر در جهت‌گیری (مثلاً ظلم‌ستیزی، ایمان، عدالت‌محوری) بی‌معناست. حتی اگر ظواهر دینی حفظ شود، بدون این جهت‌گیری، نظام تربیتی اسلامی نخواهد بود.

● تصرف در مکانیزم‌های اداره

برای تحول واقعی، باید ساختارها و سازوکارهای نظام آموزشی در تمام سطوح (مدرسه، وزارت، سیاست‌گذاری) با رویکرد اسلامی بازطراحی شوند.

● نقش معلم:

معلم، حتی در نبود محتوای مناسب، می‌تواند با نیت و جهت‌گیری صحیح، اثرگذار باشد و نظام ارزشی اسلامی را منتقل کند.

دکتر سجاد صدیقی
روز هفتم

